

## شکل‌گیری رئالیسم در داستان‌نویسی ایرانی

دکتر محمود فتوحی رودمعجنی<sup>۱</sup>

هاشم صادقی<sup>۲</sup>

### چکیده

نگارش رئالیستی در ادبیات کلاسیک فارسی به اندازه شیوه‌های غیر واقعگرا مورد توجه نبوده است. ادبیات اجتماعی و سیاسی مشروطه، ذهنیت مردم شهرهای بزرگ به‌ویژه پایتخت را از جانب آرمان‌های ماورائی به سوی زندگی زمینی و انسان‌مدار سوق داد و با پیدایش روزنامه‌ها، نثر فارسی به سوی سادگی و واقعیت‌نگاری حرکت کرد. روزنامه‌نگاری تکوین نوشتار واقعگرا را شدت بخشید و توجه روزنامه‌نگاران ایرانی به واقعیت‌های حاد اجتماعی، آن‌ها را به سوی نگارش داستان‌های اجتماعی در قالب پاورقی کشاند. بدین صورت رمان واقعگرا همزمان با شکل‌گیری طبقه بورژوازی نوین دولتی در ایران پا به عرصه ادبیات نهاد. این مقاله زمینه‌های شکل‌گیری رمان رئالیستی فارسی از دوران مشروطه را بر اساس نگرش تاریخ ادبی نشان داده و روند حرکت زبان فارسی به سوی واقعگرایی و تولد داستان رئالیستی و تعامل و تداخل روزنامه‌نگاری با آن را دنبال می‌کند. اهم مطالب مورد بحث از این قرار است: گذار از رمان تاریخی به رمان اجتماعی، تحولات زبان و واقعیت اجتماعی، روزنامه‌نگاری و رئالیسم، پیشگامان رئالیسم فارسی، درونمایه غالب بر آثار رئالیستی، نقص رمان واقعگرای اولیه و ارزش جامعه‌شناختی رمان‌های رئالیستی. **کلیدواژه‌ها:** رئالیسم فارسی، روزنامه‌نگاری، رمان واقعگرا، سفرنامه‌نویسی.

### ۱. مقدمه

نگارش واقعگرا در ایران با انقلاب مشروطه آغاز شد. پیش از آن ادبیات فارسی در طول ده قرن سخت مشغول به الهیات عرفانی و تجربه‌های باطنی و تخیلات شاعرانه بود و چندان به واقعیت روی

۱- استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسؤل) fotoohirud@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد sadeghi.hashem62@gmail.com

خوشی نشان نداده بود. به جز قرن دهم که تجربه‌های عشق زمینی و عاطفه شخصی در مکتب شعر وقوع راه یافته است، ذهنیت استعلاطلب و دنیای خیال پیوسته بر ادبیات فارسی غالب بوده است.

در پی ارتباط ایرانیان با غرب و اعزام دانشجو به اروپا، تأسیس مدارس جدید، ورود صنعت چاپ به ایران و ترجمه آثار ادبی و رواج روزنامه‌نگاری، نگاه ایرانی‌ها به واقعیت زندگی تغییر کرد که انقلاب مشروطه (۱۲۸۴ ش. / ۱۹۰۵ م.) مولود ظهور این نگاه واقع‌گرایانه به انسان و جهان بود. ارتباط ایرانیان با مغرب‌زمین و اطلاع از تحولات صنعتی، موجب ظهور آگاهی‌های تازه‌ای نسبت به نقش مردم در اداره زندگی، اداره جامعه و ساختار زندگی عمومی در ایران شد و به ظهور طبقه متوسط شهری جدیدی انجامید که معادلات جامعه سنتی را به هم ریخت و ارزش‌های کهنه و نو را در قلمرو اخلاق، ساختار قدرت، ذوق هنری و شکل‌های ادبی و زبان رویاروی هم قرار داد. سال‌های ۱۲۷۵ تا ۱۳۰۰ شمسی، عصر جایگزینی سرمایه‌داری شهری فردگرا به جای پدرسالاری زمین‌دار است. با شکل‌گیری طبقه بورژوا و رشد طبقه شهری، به تدریج مفاهیمی به نام حق حاکمیت، آزادی، انتقاد از حکومت و نقد خرافات و ارزش‌های سنتی پدیدار شد و به پیدایش جمعیت کتابخوان در طبقه متوسط شهری و تغییرات بنیادین در ساختار سیاسی - اجتماعی ایران انجامید. چنین نگرشی به‌ناگزیر نوشتار و ادبیات هم‌سو با خود را پدید آورد؛ وظیفه ادبیات تغییر کرد و شکل‌های ادبی جدید مانند نمایشنامه و رمان تاریخی و اجتماعی و داستان کوتاه جای کتابت مصنوع و ادبیات اخلاقی و تعلیمی را گرفت. حتی در شعر مشروطه، زبان واقع‌گرا بر زبان استعاری و سمبولیک و ذهنیت واقعی بر نظام تخیلی شعر غلبه کرد؛ چندان که شعر مشروطه نیز میراث سنگین، تخیلات و ذهنیات انتزاعی را فرو نهاد و به جانب واقعیت و عقلانیت نقادانه گرایید. این تحول نتیجه پیوند ادبیات با واقعیت بود.

این مقاله روند شکل‌گیری نوشتار واقع‌گرای اجتماعی در زبان فارسی و رواج ادبیات رئالیستی را مورد بررسی قرار می‌دهد و عوامل مؤثر بر تقویت ذهنیت رئالیستی و رشد زبان اجتماعی در نوشتار را مطرح می‌کند و پیشگامان رمان واقع‌گرای فارسی و درونمایه این آثار را به اجمال در نسبت با تحولات اجتماعی به بحث می‌گذارد.

این موضوعات در منابع مربوط به ادبیات معاصر به صورت کمابیش گسسته مطرح بوده است اما نگاه به این موضوع از منظر مبانی رئالیسم کمتر مورد توجه منتقدان و مورخان ادبی بوده است.

## ۲- گذار از رمان تاریخی به رمان اجتماعی

گرچه شعله‌های انقلاب با به توپ بستن مجلس (۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ ق. / ۱۹۰۸ م.) به امر محمدعلی شاه قاجار فروکش کرد و مشروطه‌خواهان تار و مار شدند و جراید تعطیل، اما فروغ آگاهی نوین در درون جامعه همچنان منتشر می‌شد. در این زمان نوشتن از واقعیت‌های اجتماعی به راحتی مقدور نبود. با این همه، احساسات فزاینده وطن‌دوستی و میل به استقلال سرزمین ایران با نگرارش رمان تاریخی اوج گرفت. رمان تاریخی برای احیای عظمت ایران باستان و باز آفرینی الگوهای بزرگ حکومت شاهانه و تثبیت موقعیت و نظام حکومتی مبتنی بر حاکمیت اشراف به کار گرفته می‌شد. رمان تاریخی در واقع برآمده از یک احساس نوستالژیک هم بود که اضطراب طبقه‌ای را که از تغییرات اجتماعی جدید می‌ترسید، تسکین می‌بخشید. ناسیونالیسم ایرانی از بن‌مایه‌های اساسی رمان تاریخی ایران بود.

میرزا باقر خسروی در رمان *شمس و طغرل* (۱۲۹۲)<sup>(۱)</sup> ناسیونالیسم ایرانی را با مضمون عشقی واقع‌گرایانه - که خصلت ذاتی رمان است - طرح افکند. رمان *عشق و سلطنت* یا *فتوحات کوروش کبیر* (۱۲۹۷) اثر شیخ موسی کبودرآهنگی در سه جلد با درونمایه‌ای ناسیونالیستی، سرگذشت کوروش را روایت می‌کند.

*داستان باستان* یا *سرگذشت کوروش* (۱۲۹۹) از میرزا حسن خان بدیع و رمان *دام‌گستران* یا *انتقام خواهان مزدک* (۱۲۹۹ تا ۱۳۰۴) تألیف عبدالحسین صنعتی‌زاده کرمانی که در آن حمله اعراب مسلمان به ایران و زوال سلسله ساسانی را روایت می‌کند<sup>(۲)</sup> از جمله رمان‌های اولیه تاریخی با درونمایه‌ای ملی هستند. این داستان‌ها گرچه زمینه تاریخی داشتند، اما با روزگار خود نیز مربوط بودند و تا حدودی به واقعیت‌های روز نزدیک می‌شدند و نشان‌هایی از مناسبات جامعه عصر مشروطه را در خود داشتند؛ به همین جهت با استقبال توده‌های مردم روبرو شدند.

*لازیکا* اثر حیدر علی کمالی (۱۳۰۹) شرح جنگ‌های ساسانیان با روم است و مسایل مطرح در دوره دو جنگ جهانی، به‌ویژه موضوع استقلال ملی ایران و روحیات عمومی جامعه را تا حدودی به نگرارش در می‌آورد. رکن‌زاده آدمیت در رمان *دلبران تنگستان* (۱۳۱۲) ماجرای دفاع قهرمانانه مردم جنوب را در برابر حمله انگلیسی‌ها پس از جنگ اول جهانی در روایتی مستند به نگرارش درمی‌آورد و به زمان و مکان زندگی و مشاهدات شخص نویسنده نزدیکتر می‌شد.

رمان تاریخی که رفته‌رفته به زمان تاریخی و واقعیت‌های نزدیک به روزگار نویسنده نزدیک می‌شد، به‌گونه‌ای متفاوت به بازتاب واقعیت اجتماعی معاصر که رسالت رمان رئالیستی است پرداخت و به‌تدریج نگارش آن در مقابل رمان‌های موسوم به رمان اجتماعی کمرنگ شد. رمان اجتماعی برخلاف رمان تاریخی، که شکوه و عظمت جامعه را از اعماق تاریخ و در ماورای شرایط موجود جویا می‌شد به آسیب‌شناسی جامعه ایرانی می‌پرداخت. داستان‌نویسی فارسی پا به پای دگرگونی‌های اجتماعی به جانب واقعیت‌های اجتماعی حرکت کرد و همت خود را به تشریح جزئیات زندگی و مناسبات و روابط اجتماعی موجود متوجه ساخت.

### ۳- تحول در کاربرد زبان در توصیف واقعیت اجتماعی

واقعیت اصیل در زبان شکل می‌گیرد. مسلماً نویسنده‌ای که با لفظ قلم درباره مسائل اجتماعی می‌نویسد واقعیت را «گزارش» می‌دهد اما نویسنده‌ای که با زبان زنده طبقات اجتماعی می‌نویسد واقعیت را به «نمایش» می‌گذارد. نویسنده با کاربرد زبان محاوره، داستان رئالیستی را به متن واقعیت جامعه می‌برد و با به کار گرفتن نثری که در آن هر شخص با زبان طبقه خود سخن می‌گوید خواننده را به ذات واقعیت نزدیک می‌کند. رمانی که همه اشخاص یکنواخت و با زبان فاضلانه نویسنده سخن می‌گویند، با واقعیت برخوردی رسمی و یکسویه دارد.

صورت‌های رقیق و کمرنگی از کاربرد گونه‌های اجتماعی زبان را در *سیاحتنامه ابراهیم بیگ* و ترجمه حاجی بابای اصفهانی می‌توان دید. اندکی بعد حرکتی به جانب نقد زبان کتابت قجری و نوشتار ادیبانه در چند اثر ادبی آغاز شد. این آثار تلویحاً نویسندگان را به کاربرد فارسی اصیل و زبان مردم دعوت می‌کردند. دهخدا در نوشتار داستان‌مانند ترجمه *نامه عربی* (صور اسرافیل، ش. ۱۶) و حسن مقدم در *نمایشنامه جعفر خان از فرنگ برگشته* و جمال‌زاده در داستان کوتاه *فارسی شکر است* (۱۳۰۰) با طرح فاصله زبان علمای دینی و روشنفکران فرنگ‌رفته با زبان توده مردم، واقعیتی تلخ را مطرح می‌کردند و به‌تدریج زمینه برای توجه به زبان واقعی به عنوان نظامی که واقعیت در آن شکل می‌گیرد فراهم می‌شد. در آن زمان در نظر ادیبان سستی، ساده‌نویسی و نزدیکی نوشتار به زبان مردم گناهی نابخشودنی بود. شیفتگان زبان و ادبیات کلاسیک، به نوشتار ساده واقعگرا به دیده تحقیر می‌نگریستند و آن را برای زبان فارسی مضر و مخرب

می‌شمردند و چنین نوشتاری را از نوع ادبیات عامیانه بی‌ارزش به حساب می‌آوردند. اما امروز ما آن نوشته‌های ساده و بی‌پیرایه را سرآغاز یک خیزش بزرگ در واقعگرایی نثر فارسی و رئالیسم اجتماعی می‌دانیم.

#### ۴- روزنامه‌نگاری و رئالیسم

تا قبل از روزنامه‌نگاری در ایران، زبان طبقات مختلف اجتماعی و لهجه‌ها با زبان رسمی کتابت فرق بسیار داشت. زبان کتابت، زبان رسمی بود که والیان و حاکمان و متولیان و مستوفیان و دیوانیان در سراسر کشور با آن می‌نوشتند. روزنامه‌نگاری در زبان فارسی همزمان با ظهور آگاهی نوین اجتماعی پا گرفت. یکی دو سال پس از آن که مظفرالدین شاه فرمان مشروطه را اعلان کرد، در فضای باز سیاسی بیش از ۸۴ روزنامه در ایران منتشر می‌شد. همه این روزنامه‌ها با هر گرایشی پایه‌پای واقعیات سیاسی اجتماعی پیش می‌رفتند. ضرورت سرعت در انتقال اخبار و اندیشه‌ها به توده مردم ایجاب می‌کرد که زبان ساده و محاوره مردم، جای زبان ادبی و تشریفاتی را بگیرد و نثر فارسی برای نزدیک شدن به واقعیت‌های اجتماعی به «زبان واقعی مردم» نزدیک شود.<sup>(۳)</sup>

علی‌اکبر دهخدا در مقالات انتقادی خود با امضای «دخو» در روزنامه صور اسرافیل (۱۳۲۵ق.) حرکت نثر فارسی به سوی زبان اجتماعی را شتاب بخشید. او زبان محاوره تهرانی و برخی مناطق ایران را با مهارت تمام به کار گرفت. تا آن روز کمتر کسی زبان کوچه و بازار را در نوشتار رسمی وارد کرده بود. دهخدا با استفاده از ساختار نحو محاوره‌ای، زبان خود را برای توده خوانندگان، صمیمی و روان کرد. دهخدا در دو مقاله «فندرون» (صور اسرافیل، شماره‌های ۲۷-۲۸) و «ترجمه نامه عربی» (همان، شماره ۱۶) به داستان کوتاه بسیار نزدیک شده است. اولی نقد طنزآلود لایه‌های درونی جامعه مذهبی است و دومی خمیرمایه داستان فارسی شکر است (۱۳۰۰ ش.). جمال‌زاده است.

ارتباط و تعامل روزنامه‌نگاری و رمان واقعگرا به دو دلیل حائز اهمیت است: اول این که اکثر اجتماعی‌نویسان اولیه فارسی در روزنامه‌نگاری دستی داشته‌اند، این مسئله نشان از نقش روزنامه‌نگاری در رواج واقعگرایی دارد. روزنامه‌نگاری در حقیقت، زندگی در متن واقعیات اجتماعی است. بنابراین، خاستگاه اولیه رئالیسم فارسی را باید در ژورنالیسم ایرانی جستجو کرد. محمد حجازی، علی دشتی، سعید

نفیسی، مشفق کاظمی، محمد مسعود، سید جعفر پیشه‌وری، عباس خلیلی و ربیع انصاری از داستان‌نویسان دوره اول همگی از روزنامه‌نگاران مشهور آن زمانند؛<sup>(۴)</sup> دوم این که اولین رمان‌های اجتماعی نیز به صورت پاورقی در روزنامه‌ها منتشر می‌شد. روزنامه‌های *ستاره ایران* و *شفق سرخ* در سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۱۰ با چاپ رمان‌های پر خواننده‌ای مانند *تهران مخوف*، *ایام محبس* (شفق سرخ، از شماره ۱ تا ۱۵) و *تفریحات شب* (۱۳۱۱ ش.) حرکتی به سوی واقعگرایی داستانی در زبان فارسی به راه انداختند. نوع نگاه به جامعه و سبک نشر روزنامه‌ای در بسیاری از رمان‌های اولیه اجتماعی ایران در حقیقت مولود خاستگاه ژورنالیستی این آثار است.

تأثیر سبک ژورنالیستی در نوشتار واقعگرا تأثیری دو سویه است؛ روزنامه‌نگاری از طرفی با کشاندن واقعیات اجتماعی به بطن رمان، به واقعگرایی نوع رمان کمک شایانی می‌کند؛ ولی از طرف دیگر، سبک ژورنالیستی نوعی تداخل با نظام رمان ایجاد می‌کند که بخشی از ضعف‌های مترتب بر رمان‌های اولیه، مولود همین خاستگاه ژورنالیستی آن است. در رمان‌های اولیه حضور راوی مداخله‌گر در جریان روایت داستان پدیده‌ای آشکار و فراگیر است. قسمتی از حضور راوی در داستان معطوف به توضیح در مورد تغییر زمان و یا شخصیت و یا قضاوت در مورد شخصیت‌ها و ... است و گاهی نیز از داستان به مثابه تریبونی برای ایراد خطابه‌های آموزشی و بیانیه‌های سیاسی سود می‌جوید. این قسم اخیر حضور راوی در داستان به وضوح محصول تداخل سبک ژورنالیستی است.

#### ۵- پیشگامان رئالیسم ایرانی

##### سفرنامه‌نویسی

در آستانه انقلاب مشروطه، رمان *ستارگان فریب خورده* (۱۲۵۳) و *تمثیلات* (نمایشنامه‌ها) از آخوندزاده<sup>(۵)</sup> (۱۱۹۱-۱۲۵۷) به زبان ترکی و مجموعه نمایشنامه‌های میرزا آقا تبریزی با عنوان *چهار تیاتر* (۱۲۵۳)<sup>(۶)</sup> منتشر شد. این مجموعه مشتمل بر چهار نمایشنامه بود: «سرگذشت اشرف خان حاکم عربستان در ایام توقف در تهران»، «طریقه حکومت زمان‌خان بروجردی»، «حکایت کربلا رفتن شاهقلی میرزا»، «قصه عشقبازی آقا هاشم خلخالی». وی علاوه بر آن‌ها نمایشنامه «حکایت حاجی احمد مشهور به حاجی

مرشد کیمیاگر» را منتشر ساخت که هنوز رنگ و بوی توریه و تلویح داشت. اما نخستین رگه‌های نوشتار رئالیسم اجتماعی را باید در سفرنامه‌های سیاسی عهد قاجار جست.

انتشار جلد نخست کتاب *سیاحتنامه ابراهیم بیگ*<sup>(۷)</sup> (۱۲۷۵) به قلم زین‌العابدین مراغه‌ای (۱۲۱۷-۱۲۸۷) نظم موجود را به هم ریخت؛ حکومت، توزیع آن را ممنوع کرد و افراد زیادی به اتهام نوشتن آن دستگیر شدند. اما با آن که خوانندگان جریمه می‌شدند، کتاب دست به دست مخفیانه می‌گشت و خواننده می‌شد.

در کتاب احمد (۱۲۸۴) که مرجع علمی و ایدئولوژیک نهضت مشروطه است<sup>(۸)</sup>، طالبوف تبریزی (۱۲۱۳-۱۲۸۹ ش.) انسان پرسشگری به نام احمد می‌سازد که در مواجهه با جهان مادی به جستجوی آگاهی از سرنوشت دنیایی و جهانی بشر برمی‌خیزد. او می‌خواهد از احمد انسانی انقلابی و جهان‌وطنی بسازد.

داستان سفرنامه‌ای *مسالك المحسنين* (۱۲۸۴) که به تقلید آخرین روز حکیم تألیف سر همفری دیوی نوشته شده، مسافرت گروهی از جوانان برای مقاصد علمی به قله کوه دماوند را شرح می‌دهد. این مسافرت اکتشافی، بهانه و دستاویزی است که مؤلف بتواند در خلال آن مسائل مختلف اخلاقی و اجتماعی و تعلیماتی را طرح کند.

این آثار و ترجمه رمان بلندآوازه ماجراهای حاجی بابای اصفهانی (۱۹۰۵ م. - ۱۲۸۶ ش.) اثر جیمز جوستین موریه، منشی سفارت انگلیس در ایران<sup>(۹)</sup> نقش مهمی در بازگرداندن ذهنیت ایرانی از ماوراء به واقعیت اجتماعی داشتند که به تدریج به شکل‌گیری نوشتار رئالیستی فارسی انجامید.

رمان حاجی بابای اصفهانی (اصل انگلیسی ۱۸۲۴ م. و ترجمه فارسی در کلکته ۱۹۰۵ م.) نیز زندگی خصوصی و آداب و رسوم اجتماعی ایرانیان را با چنان دقت و ظرافتی به قلم آورده بود که برای ایرانیان تشنه واقعیت، جذابیتی وصف‌ناپذیر داشت. میرزا حبیب اصفهانی، مترجم کتاب، زبان نزدیک به واقعیت کوچه و بازار اصفهان و سایر شهرهای ایران را به کار گرفت. در این رمان‌واره، اشخاص واقعی از جمله فتحعلی‌شاه و صبای کاشانی شاعر دربار و میرزا ابوالحسن خان ایلچی و دیگران نزدیک به واقعیتشان توصیف شده‌اند. عدم اجازه چاپ و نشر این دو کتاب در تهران و استانبول خود دلالت بر ارتباط مستقیم مندرجات آن‌ها با مسائل روز جامعه ایران دارد.<sup>(۱۰)</sup>

برخی منتقدان مارکسیست جمال‌زاده را بنیان‌گذار ادبیات رئالیستی نامیده‌اند و برآنند که رئالیسم فارسی با یکی بود یکی نبود جمال‌زاده آغاز شده است (چایکین، ۱۹۲۸م). شاید آن‌ها خواسته‌اند برای داستان‌نویسی ایرانی الگویی شبیه داستان «شنل» اثر گوگول که طلیعه رئالیسم روسی بود پیدا کنند. جمال‌زاده ۶ داستان کوتاه را که طی هفت سال (۱۲۹۳ تا ۱۳۰۰) نوشته بود را در ۱۳۰۰ شمسی در یک مجموعه با نام یکی بود یکی نبود منتشر کرد. حساسیت نویسنده نسبت به مسائل اجتماعی و نوشتن از آدم‌هایی از طبقات مختلف و نگارش حوادث معمول به زبان روز، واقعگرایی را در آثار وی شدت بخشید. زبان زنده، سبک محاوره‌ای و اشتغال بر اصطلاحات عامیانه و کوچه و بازار، نوشتار جمال‌زاده را به واقعیت اجتماعی نزدیک کرد. این زبان تازه و زنده و پرجاذبه، حکایت از ورود واقعیت‌های زبان به عرصه نثر فارسی داشت که برخی از ادیبان آن روزگار آن را بر نمی‌تافتند و بر جمال‌زاده تاختند و چنان او را به سکوت نشانند که تا سال ۱۳۲۰ دیگر قلم نزد.

حقیقت آن است که قبل از جمال‌زاده، واقعگرایی هم در قلمرو کاربرد زبان اجتماعی و هم در موضوعات سیاسی اجتماعی روز، تجربه‌های موفقی را پشت سر گذاشته است. زین‌العابدین مراغه‌ای در *سیاحتنامه ابراهیم بیگ* و دهخدا در *چرند و پرند*، سبک ساده‌نویسی و واقعگرایی در نثر را تجربه کرده بودند و محتوای یکی بود یکی نبود یعنی خرافه‌پرستی، اخلاق سستی، نظام سیاسی و آشفتگی زبان فارسی و ... نیز در آثار آخوندزاده، طالبوف، دهخدا، مراغه‌ای و میرزا آقاخان کرمانی و ... با زبانی انقلابی و لحنی تند و بی‌پروا از جمال‌زاده به نقد کشیده شده بود. میرزا آقاخان تبریزی در مؤخره کتاب *نمایشنامه‌های خود* (۱۲۵۰ش)، ۴۹ سال قبل<sup>(۱۱)</sup> از چاپ داستان‌های جمال‌زاده در پاسخ به یکی از دوستانش که می‌پرسد «پیشینیان بهتر از این زیاد نوشته‌اند، شما زحمت بی‌جا چرا کشیده‌اید؟»، می‌نویسد: «این‌هایی که بنده عرض کرده است، معمولاً فیه این زمان است، ناقل و منقول هر دو حاضر و موجود و به رأی العین دیده می‌شود و جای تأویل و تردید باقی نمی‌ماند» (تبریزی، ۱۳۵۴: ۲۱۹). در این پاسخ، اشاره تبریزی به نسبت صریح نوشتار با زمان و مکان و تأویل‌ناپذیری آن، بیان‌کننده ذهنیت او از جوهره رئالیسم است. از این حیث جمال‌زاده را نمی‌توان بنیان‌گذار واقعگرایی ایرانی دانست.

در ثانی، جمال‌زاده از حدود ۱۳۲۶ق. / ۱۲۸۷ش. سال‌ها در اروپا و دور از ایران می‌زیست و با روند پرشتاب تحولات اجتماعی ایران بیگانه بود و آنچه می‌نوشت از تجربه‌های ایام کودکی و جوانی بود. به



همین دلیل یکی بود یکی نبود در زمان انتشار یک دهه از واقعیت اجتماعی روز عقب‌تر بود. اگر منتقدان مارکسیست روسی آشنایی دقیق‌تری با ادبیات ایران داشتند، برای پیدا کردن الگوی اولیه نوشتار رئالیستی - که یگانه نوع ادبی مقبول مارکسیست‌هاست - در ادبیات ایران دیگرانی همچون *سیاحتنامه ابراهیم بیگ* از زین‌العابدین مراغه‌ای یا نوشته *قندرون* دهخدا را بر می‌کشیدند. البته نباید از یاد ببریم که هنر جمال‌زاده آن بود که مفاهیم و موضوعات آشنا را در فرم داستان کوتاه به شیوه‌ای موجز شکل داد و قالب یک مجموعه متشکل از شش داستان را انتخاب کرد که نه روزنامه بود، نه سفرنامه، نه تاریخ و نه شکل‌های متداول ادبی آن عصر؛ این که می‌گویند «هنر عبارت است از فرم» در اینجا مصداق پیدا می‌کند.

#### ۶- نخستین رمان‌های واقعه‌گرای فارسی

یک سال پس از یکی بود یکی نبود، رمان بلند *تهران مخوف*<sup>(۱۲)</sup> (۱۳۰۱) نوشته سید مرتضی مشفق کاظمی (۱۲۸۰-۱۳۵۷ ش.) اولین رمان اجتماعی فارسی شناخته می‌شود. مشفق کاظمی از جوانی در مطبوعات قلم می‌زد و زمانی نیز مدیر *مجله فلاح* و *تجارت* بود، از متجددان و عضو جامعه محصلان ایران در آلمان به نام *جمعیت امید/ایران* و از بنیان‌گذاران *مجله نوگرایی نامه فرنگستان* در سال ۱۳۰۳ ش. و نویسنده اولین سرمقاله آن است. او پس از بازگشت به ایران روزنامه‌نگاری را با *مجله «ایران جوان»* ادامه داد و به ترسیم اوضاع دردناک تهران ۱۳۰۰ پرداخت. مشفق کاظمی جلد دوم *تهران مخوف* را با نام *یادگار* یک شب (۱۳۰۴) ادامه داد. دو رمان دیگر وی *گل پژمرده* (۱۳۰۸) و *ریشک پر بها* (۱۳۰۹) نیز گرچه مایه اجتماعی دارند، اما به اندازه تهران مخوف توفیق نیافتند.

برخی از منتقدان، این نخستین رمان اجتماعی فارسی را به دلیل رنگ و بوی ژورنالیستی آن به عنوان آغازگر ژانر پاورقی قلمداد کرده‌اند. اما *تهران مخوف* به جهت جذابیت و همسویی با حرکت اجتماع به زودی چنان مقبولیت یافت که دیگر نویسندگان تهرانی بلافاصله رمان‌هایی با سبک و سیاق آن به رشته تحریر درآوردند. عباس خلیلی رمان‌های *روزگار سیاه* (۱۳۰۳)، *انتقام* (۱۳۰۴) و *اسرار شب* (۱۳۰۵) را نوشت و یحیا دولت‌آبادی داستان *شهر ناز* (۱۳۰۴) و احمدعلی خدادادگر تیموری رمان‌های *روز سیاه کارگر* (۱۳۰۵) و *روز سیاه رعیت* (۱۳۰۶) را منتشر کرد. ربیع انصاری در داستان *جنایات بشر یا آدم‌فروشان قرن بیستم* (۱۳۰۸) و علی اصغر شریف رازی با رمان‌های *خون بهای ایران* یا *عشق و شکیبایی*

(۱۳۰۵) به همین شیوه داستان واقع‌گرای فارسی را پیش بردند. از میان کسانی که شیوه برخورد مشفق‌کامی با مسئله زن را دنبال کردند، کار احمدعلی خدادادگر تیموری ارزش بیشتری دارد. او کوشیده تا بر اساس مشاهدات خویش از زندگی زنان روستایی و شهری در سال‌های انتقال حکومت از قاجار به پهلوی تصویری واقعی ارائه دهد.

#### ۷- درونمایه نخستین داستان‌های رئالیستی

رمان واقع‌گرا، حماسه طبقه بورژواست. در سال‌های ۱۲۹۰-۱۳۰۰، طبقه شهرنشین (بورژوا) ایران در حال شکل‌گیری است و رفته‌رفته طبقات تازه‌ای از کارمندان و حقوق‌بگیران دولت با شکل جدیدی از زندگی پدیدار می‌شوند. اکثر رمان‌های این دوره، شرح جزئیات زندگی این گروه‌های اجتماعی است. زمان داستان نزدیک به واقعیت و مکان آن اغلب کلان‌شهرهای کشور و مسئله بزرگ این داستان‌ها، رویارویی سنت و تجدد است.

اولین داستان‌های اجتماعی که در سال‌های ۱۳۰۰ شمسی پدید آمد، با توصیف فحشا، فساد سیاسی و اداری و ناامنی‌های اجتماعی سال‌های پس از مشروطیت، یأس عمومی از ناکامی انقلاب مشروطه را منعکس می‌کند. همه این امور ناشی از وضعیت تازه‌ای بود که رویارویی دو نوع زندگی (ستی و مدرن) در شهرهای بزرگ و به‌ویژه در تهران پدید آمده بود و ساخت سستی جامعه را دگرگون کرده بود. کارمندان و زنان هرزه شاخص‌ترین تیپ‌های اجتماعی در این رمان‌ها هستند.

#### ۱،۷- طبقه جدید کارمندان

در این سال‌ها گرچه نظام اداری و دیوانی به تقلید از فرنگ در کشور پا گرفته بود، اما کارمندان هنوز شکل یک قشر اجتماعی مشخص به خود نگرفته بودند و هنوز محافظه‌کاری، از خودبیگانگی، جمود و بی‌حوصلگی و بی‌علاقگی کارمندان دوره‌های بعد را پیدا نکرده بودند. آن‌ها از معدود جوان‌های تحصیل کرده و باسواد شهرهای بزرگ بودند که درآمدی ثابت داشتند و به دلیل برخورداری از اوقات فراغت و آگاهی از دنیای جدید، شور و نشاط رویارویی با مسائل روز جامعه را داشتند؛ روزنامه منتشر می‌کردند و حزب و گروه سیاسی تشکیل می‌دادند و رمان و نمایشنامه می‌نوشتند. نویسندگان چون از میان

معلمان، استادان، کارمندان دولتی و مردان سیاسی بودند، طبعاً نسبت به ساختارهای اجتماعی و مسائل نظام اداری و فرهنگی آن آگاهی دقیق داشتند و می‌توانستند تصویر گویایی از آن روزگار ترسیم کنند.

محمد مسعود (م. دهاتی، ۱۲۸۰ - ۱۳۲۶ ش.) در نوشته‌هایش می‌کوشید به صورت عینی و واقع‌گرایانه، مشکلات دو قشر، یعنی کارمندان و زنان هرزه را که عمده‌ترین شخصیت‌های رمان‌های این دوره هستند بازتاب دهد. در آثار وی کارمندان اداری و بورکرات‌ها با توجه به شکل‌گیری دیوان‌سالاری جدید به عنوان یک طیف مهم اجتماعی مطرح می‌شوند که خصایص ویژه‌ای دارند و از مشکلات خاصی رنج می‌برند و طرح آن‌ها برای خوانندگان ایرانی تازگی دارد. رمان اجتماعی انتقادی، طیف کارمندان دولتی را که می‌رفت تا شکل یک طبقه متوسط شهری به خود بگیرد، از دستگاه اداری مشروطه به صفحه‌های ادبیات معاصر ایران کشاند.

#### ۲.۷. زن در رمان اجتماعی

در دوران گذار از سلطنت قاجاری به پهلوی، در واقع تحول بنیادی در ساختار اجتماعی ایران شکل می‌گیرد. خاندان‌های سلطنتی و طبقه فئودال و دوله‌ها و زمینداران محلی رو به زوال می‌روند و بر اساس تغییر نظام سیاسی، آموزش و پرورش و شهربانی و شهرداری و بوروکراسی اداری به شیوه غربی، طبقات اجتماعی تازه‌ای از میان درس‌خوانندگان و تحصیل‌کردگان سر بر می‌آورند که پایگاه اجتماعی و سیاسی کلانی را در ساختار جامعه از آن خود می‌کنند. همزمان با ظهور کلان‌شهر مدرنی به نام تهران، روابط اجتماعی و نیازهای زندگی جدیدی پدیدار می‌شود که با ساختار جامعه سنتی و ارزش‌ها و اخلاق آن ناسازگار می‌نماید. در چنین شرایطی، جنس دوم، موقعیت و نقش اجتماعی برجسته‌ای پیدا می‌کند و به تبع آن در بیشتر رمان‌های اجتماعی، زنان در کنار کارمندان دولت ظاهر می‌شوند. درونمایه مسلط بر رمان‌های آغازین اجتماعی ایران مسئله زنان است. زنان داستان‌های آن روزگار در یک نظام نابسامان اجتماعی، قربانی ستم‌هایی از قبیل ازدواج‌های اجباری، تعدد زوجات، خرافات، روابط نادرست خانوادگی و زناشویی، صیغه شدن، و به سربردن با مردان نادلخواه می‌شوند و غالباً به دام روسپیگری می‌افتند.

زنی که در جامعه سنتی به حاشیه رانده شده بود، به حادثترین موضوع رمان رئالیستی فارسی بدل می‌شود. گویی رمان اجتماعی فارسی، همچون روزنامه‌ها در مقام رسانه یک نهضت بزرگ فمینیستی، زن

را قربانی اصلی اجتماع خرافی و عقب‌افتاده تصویر می‌کند. رمان‌نویسان ایرانی برای احیای حقوق جنس دوم، وظیفه سنگینی را بر دوش گرفته‌اند، آن‌ها درمان عقب‌افتادگی جامعه ایرانی را در آوردن جنس دوم به عرصه فعالیت‌های اجتماعی و اعطای آزادی‌های شهروندی به وی می‌دانند و رویارویی سنت و تجدد را از اساس بر محور روابط اجتماعی به‌ویژه پایگاه اجتماعی زن به تصویر می‌کشند.

موضوع رمان‌های مشهور آن سال‌ها چون *تهران مخوف* (۱۳۰۱)، *هما* (۱۳۰۷)، *پریچهر* (۱۳۰۸) و *زیبا* (۱۳۱۱) سرنوشت زن و اخلاقیات جاری جامعه است. مشفق کاظمی در *تهران مخوف* به وضعیت و حال و روز بانوان نظر دارد. خودفروشی برای گذران زندگی در میان زنان از هر طبقه‌ای به شغل بدل می‌شود. سید محمد حجازی (۱۲۷۹-۱۳۵۲ نویسنده، داستان‌نویس و روزنامه‌نگار) عواطف و احساسات زنان طبقه بورژوازی شهری را تحلیل می‌کند. *هما*، نماینده دختران متجددی است که رفتارهایشان در تقابل با اخلاق سنتی قرار دارد. علی دشتی در داستان‌های *جادو* و *قننه* نیز به همین راه می‌رود. دشتی و حجازی با تأثیرپذیری از نویسندگان رمانتیک فرانسوی می‌کوشند تا ارزش انسانی زنان (حتی زنان معروفه) را در قالب دنیای اشرافی به آن‌ها بازگردانند. موضوع رمان‌های *من هم گریه کرده‌ام* (۱۳۱۱) نوشته جهانگیر جلیلی و *نادره* (۱۳۱۱) به قلم سید جعفر پیشه‌وری نیز همین است. محمد مسعود، عباس خلیلی، ربیع انصاری و دیگرانی که در آن سال‌ها دست به رمان‌نویسی زدند، بیش و کم همین مضمون را دنبال کردند. گرچه الگوی همه آن‌ها *تهران مخوف* بود، ولی هیچ‌کدام شوق‌انگیزی و تازگی الگوی اولیه خود را نداشتند.

### ۳،۷. زن و شهر مدرن

در نوشته‌های داستانی فارسی قبل از این عصر، نشانی از زن نمی‌بینیم. شهر نیز چیزی بزرگتر از روستاست و هر دو ادامه و مکمل همند. با ظهور مدرنیسم، شهر و روستا از هم فاصله می‌گیرند و به دو قطب خوب و بد، و پاکیزه و آلوده تقسیم می‌شوند؛ در جامعه سنتی زن و روستا با پاکیزگی و معصومیت یکی هستند. از ۱۳۰۰ که اولین رمان‌های اجتماعی در ایران نوشته شد، تا سال ۱۳۲۰ روز به روز شهر به تمدن آلوده‌تر می‌شود و زن نیز به متها درجه آلودگی می‌رسد. زن و شهر یکی می‌شوند؛ زن در آلودگی شهر هم سهیم است و آلودگی را در شهر گسترش می‌دهد. داستان‌های محمد حجازی و محمد مسعود و

جلیلی تصویر روشنی از این واقعیت به دست می‌دهند، هم شهر و هم زن، هر دو در متهای آلودگی هستند. عباس خلیلی نیز در این دوره که فساد و تباهی اجتماعی را در رمان‌های خود انعکاس می‌دهد از این گروه نویسندگان است. توجه او به مسائل زنان وی را به یک نویسنده فمینیست بدل ساخته است. داستان روزگار سیاه او (۱۳۰۳) و یک سال بعد رمان/سرر شب (۱۳۰۴ ش.) مؤید این موضوع است.

محمد مسعود در تفریحات شب (۱۳۱۱)، در تلاش معاش (۱۳۱۲) و اشرف مخلوقات (۱۳۱۳) و گل‌هایی که در جهنم می‌روید، فساد و بدبختی، هرزه‌گی، بی‌هویتی، ترس از آینده، تزلزل روحی زنان و مردان در قمارخانه‌ها و فاحشه‌خانه‌ها و میخانه‌ها را به نمایش گذاشته است.

اجتماعی‌نویسان، بیمناک از حبس و قتل و متأثر از ادبیات رمانتیک اروپا، در آثار آموزشی خود، چاره‌نابسامانی اجتماع را در اصلاح فرد از راه احساسات بشردوستانه و اخلاق درست می‌دانند و جابه‌جا خوانندگان را اندرز می‌دهند. جهانگیر جلیلی هم در من هم گریه کرده‌ام (۱۳۱۱) و از دفتر خاطرات (۱۳۱۴) به همین راه می‌رود.

موضوع دیگری که طبقه جدید تحصیل کرده به آن حساسند، فقر و عقب‌افتادگی، فساد و تباهی اداری و جامعه است، گرچه زن هم کمابیش در این تبه‌بازار حضور دارد. حساسیت این گروه به مفاسد اجتماعی به حدی است که حتی سرخوردگی و یأس فلسفی نویسندگانی مانند مسعود نیز نتیجه ناکامی ایشان از اصلاح جامعه است. آن‌ها می‌گویند: فقر مادر همه فسادهاست، و بدبختی آدمی، زاده محیط است، عادات و آداب اجتماعی به سود مردان و زیان زنان است. برای رفع تمام این معضلات به مخالفت با خرافات و انتقاد از نظام آموزشی و تعلیم و تربیت، انتقاد از بازار و تجارت، فقر و فساد نظام اداری بر می‌خیزند اما چون ناکام می‌مانند به دام بدبینی فلسفی، بی‌معنایی زندگی و جهان و جبر گرفتار می‌شوند. به دنیا، تمدن و نظام‌های اجتماعی جدید، به زن به عنوان ریشه همه تباهی‌ها و فسادها بدبین می‌شوند و چنان می‌بینند که انسان ذاتاً شرور و بدذات آفریده شده است. بنابراین برای فرار از سختی و مصایب زندگی راه فرار را در شراب و زن می‌جویند و دم‌غنیمت شمردن، لاقیدی و عیاشی را بهترین راه فراموشی دردها و مشکلات می‌دانند. این سرخوردگی در آثار صادق هدایت به اوج رسیده است.

## ۴,۷. تجربه زندان

در ادبیات فارسی موضوع حبس و زندان را در قصاید و قطعات شاعرانی همچون مسعود سعد سلمان و خاقانی می‌توان دید. این گونه ادبی با عنوان «حبسیه» از دیرباز شناخته بوده است. مضمون زندان در گذشته ادبی ایران عمدتاً در قالب سخن منظوم و سرشار از اغراق‌ها و مبالغه‌های شاعرانه بیان می‌شد. اما با رواج نثر داستانی و اوج‌گیری کشمکش‌های سیاسی در جامعه، ادبیات زندان جایگاه خاصی را در میان انواع ادبی پیدا کرد.

پس از مشروطه، علی دشتی از نخستین کسانی بود که دست به نگارش درباره زندان زد. وی در سال ۱۲۹۹ به زندان افتاد و خاطرات این زندان را با عنوان *ایام محبس* در روزنامه شفق سرخ از شماره ۱ تا ۱۵ منتشر ساخت و در سال ۱۳۰۰ در یک کتاب مستقل با همین عنوان به چاپ رساند. در دهه بیست، بعد از سقوط رضاخان، تب و تاب افشاگری ستم‌ها و شکنجه‌های رایج در زندان‌های رضاشاه بالا گرفت. در روزنامه‌ها و داستان‌ها یکی از موضوعات داغ و پرتعداد، افشاگری جنایات در زندان‌های رضاخان بود و کسانی که خود داغ شکنجه و شلاق را بر جان و تن داشتند، شروع به نگارش کردند و خاطرات تلخ زندان را نگاشتند.

جدی‌ترین نوشته‌های ادبی مربوط به زندان از آن بزرگ علوی است. او را می‌توان توان‌ترین نویسنده در ادبیات زندان دانست. علوی دو کتاب *پنجاه و سه نفر* (۱۳۲۰) و *ورق پاره‌های زندان* را به تمامی به موضوع زندان و زندگی زندانیان اختصاص داده و تصویر روشنی از زندگی در زندان، خلاقیت‌های زندانیان سیاسی، رفتار مأموران رضاشاه با ایشان و نگرانی‌ها و دلهره‌های زندان نقش می‌زند. در مجموعه *ورق پاره‌های زندان*، خاطرات زندان فرم محکم‌تری پیدا می‌کند و برخی از داستان‌های آن مثل داستان «رقص مرگ» شکل داستانی قوی‌تری دارد. در *ورق پاره‌های زندان*، نویسنده دقت بیشتری در شخصیت‌پردازی و ارائه یک ساختار منسجم اعمال می‌کند.

دیگر از کسانی که به نگارش ادبیات زندان پرداخت جعفر پیشه‌وری (متولد ۱۲۷۲) است. او یازده سال (۱۳۰۹ - ۱۳۲۰) در زندان بود، مقالاتی در روزنامه «آزیر» سال‌های (۱۳۲۰-۱۳۲۳) می‌نوشت و خاطرات زندان را بیان می‌کرد. در یادداشت‌های وی زندانیان مختلفی از همه تیپ‌ها وصف می‌شوند. نوشته‌های پیشه‌وری هم به مسائل درون زندان نظر دارد و هم به جریان‌های بیرون از زندان.<sup>(۱۳)</sup>

در آثار نویسندگان طرفدار حزب توده داستان‌هایی که به گونه‌ای با موضوع زندان و زندانیان مربوطند دیده می‌شود. از جمله این نویسندگان آل احمد است، او در مجموعه *از رنجی که می‌بریم* (۱۳۲۶) دو داستان کوتاه دارد به نام‌های «محیط تنگ» و «اعتراف» که شخصیت‌های وی در زندان نقش ایفا می‌کنند. زندانیان این دو داستان کارگران هوادار اندیشه‌های سوسیالیستی هستند. آل احمد شخصاً زندان را تجربه نکرده و لذا تصویری که ارائه می‌دهد محصول شنیده‌های اوست و نه دیده‌هایش.

ابراهیم گلستان نیز در داستان‌های «در تب عصیان» و «میان دیروز و فردا» صحنه زندان را محل نمایش اندیشه‌های خود قرار می‌دهد. گلستان در این دو داستان بیش از آن که تصویرگر فضای زندان و شکنجه‌های آن باشد، به نمایش شکست در روحیه و رفتار زندانیان و اخورده سیاسی علاقه نشان می‌دهد.

#### ۵,۷. کلان‌شهرها در رمان اجتماعی

داستان رئالیستی اولیه فارسی عمده درونمایه‌هایش را از شهر و زندگی شهری اقتباس می‌کند. تقریباً مکان حوادث داستانی بخش عمده‌ای از رمان‌ها و داستان‌های واقع‌گرای اولیه تهران و شهرهای بزرگی مانند کرمانشاه و رشت است. وقایع *چرنند و پرنند، تهران مخوف، ایام محبس، تفریحات شب، جعفر خان از فرنگ برگشته، بعضی از داستان‌های یکی بود یکی نبود، روزگار سیاه، انتقام، شهرناز، روزگار سیاه کارگر، روز سیاه رعیت، جنایات بشر، اسرار شب، هما، پرچهر، زیبا، من هم گریه کرده‌ام، نادره و نرگس* همه در شهرهای بزرگ اتفاق می‌افتد.

در رمان *تهران مخوف*، شهر تهران در آستانه کودتای معروف سید ضیاء طباطبایی در اسفند ۱۲۹۹ شمسی، شهری است مخوف که نادانی، هرزگی و نفوذهای نامشروع، درها را بر شایستگان بسته و دروازه‌ها را به روی ناهلان گشوده است و جوانان هرزگی و عیاشی را بر تشکیل خانواده ترجیح می‌دهند. فرخ - قهرمان داستان - نماینده روشنفکران سال‌های پیش از کودتای رضاخان، فردی معترض است که اعتراضش، اعتراض قاطبه روشنفکران آن زمان است. نام رمان، استعاره‌ای است از یک شهر اهریمنی (یاوری، ۱۳۸۳: ۶۱) که به جهت دگرگونی‌های پیوسته ناشی از تجدد و نوگرایی، ترسناک و مخوف جلوه می‌کند. در این شهر عشق و دروغ و طمع و خودفروشی در سال‌های ۱۳۰۰ شمسی به تصویر کشیده شده است. اشخاص *تهران مخوف* با دشواری‌های زندگی شهری در آستانه ورود به روزگار مدرن دست و پنجه نرم می‌کنند.

رمان *جنایات بشر* (ادم‌فروشان قرن بیستم، ۱۳۰۸) یکی از رمان‌هایی است که به تقلید از *تهران مخوف* نوشته شد. بدریه دختر معصوم یک تاجر گیلانی است که پیرزنی به مکر و حيله او را از شهر رشت به کرمانشاه کشیده و در دام مردان هوسران انداخته است. داستان بازنمایی تباهی اخلاقیات است؛ فقر و تباهی جامعه‌ای که همگان برای اغوا و آلودن عرض مردم بی‌گناه همدست می‌شوند، از موضوعات داستان‌های انصاری است. نثر یکدست و صدای راوی‌ای که در همه جا انتقاد مستقیمش از اجتماع به گوش می‌رسد، اثر را به شکلی خطابه‌گونه مبدل می‌سازد. اما با این وجود تصویری ملموس و تا حدی واقعیت‌مانند از وضع راه‌ها، جواز عبور و پست‌های پلیس، محیط و نحوه اداره خانه‌های فساد و پایگاه اجتماعی مشتریان آن‌ها در اوایل عصر رضاخان به دست می‌دهد. درونمایه اصلی داستان انصاری، فقر و درآمد اندک خانواده‌ها، رفتار خانواده شوهر با زن، فساد اخلاقی جوانان و ضعف قوانین مدنی است اما نویسنده تنها راه رهایی از این رنج‌ها را مرگ می‌داند و این خود نوعی واخوردگی است. داستان دیگر ربیع انصاری، *سیزده عید* (۱۳۰۹) هم شرح فقر و بیچارگی مردم روستایی در کرمانشاه است. در آنجا نیز زنان در اثر فقر به تباهی کشیده می‌شوند.

شیوه نگارش محمد حجازی تحت تأثیر ادبیات فرانسه به‌ویژه مکتب رمانتیک بود. ماجراهای اولین داستانش *هما* (۱۳۰۷) در فضای ایران اواخر دوره قاجار روی می‌دهد. رمان *هما* در جهت ترویج اندیشه‌های تجدد رضاخانی است. کاپیتان بایف روسی بلندگوی اندیشه‌های حجازی است و تفاخر روس‌ها به فرنگی شدن، نقص خط و زبان فارسی، شعارهای تجددطلبی که در روزنامه‌ها رایج بود از زبان این شخصیت داستان به شعرگونگی داستان می‌افزاید (حجازی، ۱۳۴۳: ۱۳۹-۱۴۱).

*هما* و *پریچهر* (۱۳۰۸) هر دو گزارشی از زندگی زنان مرفه خانه‌نشین و دغدغه‌های زنانه آن‌هاست. اما *زیبا* (۱۳۰۹) گزارش واقعه‌گرایانه‌ای است از سیر حوادث و روان‌شناسی اجتماعی مردم پایتخت ایران در ۱۲۹۰ ش. که جامعه ایران دچار یأس و نومیدی بود. رمان اجتماعی *زیبا*، شرح فساد اداری و اخلاقی تهران است. نویسنده می‌کوشد رابطه‌ای تازه با زمان و واقعیت برقرار کند و اعمال شخصیت‌ها را متکی بر محیط نشو و نمای آن‌ها پیش برد. او درونمایه عمده زمانه خود را در شکل رویارویی تجدد با سنت و در قالب مسئله زن مطرح می‌کند.<sup>(۱۴)</sup>



«فضای رمان زیبا سرشار است از هرج و مرج، مرض اداره سالاری، فساد و سقوط سردمداران قوم. روزگاری که رمز پیشرفت روابط پنهانی و خصوصی است، مردمی گرگ‌صفت و بی‌اصول، که بندی بند شلوار خویشند. خوشگلی بلاست و مایه پیشرفت. کتاب به روشنی نشان می‌دهد که سازمان مشروطیت همچنان به همان سبک استبدادی اداره می‌شود و سهولت‌های قانون در جامعه‌ای که آکنده از خرافه و تبعیض و فریب است، چگونه فساد را تسهیل کرده است» (سپانلو، ۱۳۸۱: ۱۴۷).

نویسنده زیبا می‌کوشد تصویری واقع‌بینانه از دیوان‌سالاری ستی و جامعه پس از مشروطه ایران ارائه کند. سیمای هرج و مرج زده پایتخت در دهه بیست و سقوط شاهزادگان قاجاری، مهمترین بیماری حاکمیت است. حسین، جوان روستایی در تهران آشفته و پرشتاب به زندگی بورژوایی نوپای شهری تن می‌دهد. او نماینده طبقه متوسط است که برای دستیابی به موقعیت فردی دست به هر کاری می‌زند. زیبا یک روند تحول پرشتاب در جامعه تهران را به تصویر می‌کشد. داد و ستد در جامعه بورژوایی همچون یک میانجی به درون مناسبات اجتماعی می‌خزد و سرانجام سرمایه را جانشین اشرافیت می‌کند. فساد اداری مهمترین آفات نظام دولتی در پایتخت است. نویسنده که خود از طبقه بورژوای شهری و بوروکرات است، فساد اخلاقی جامعه را در قالب دسیسه عشقی و عرفی به نمایش می‌گذارد. منتقدان دولتی آن زمان، زیبا را یک رمان برجسته اجتماعی در افشای فساد اداری معرفی می‌کردند.

کار محمد مسعود<sup>(۱۵)</sup> (۱۲۸۰ - ۱۳۲۶) در نمایش جزئیات زندگی جوانان تهران در *تفریحات شب* (۱۳۱۱) از همان آغاز مورد تحسین نویسندگان و محققان زمان قرار گرفت.<sup>(۱۶)</sup> ستایش استاد محیط طباطبایی از این رمان ناظر بر روح واقعگرایی این رمان است: «برای توصیف مناظر زندگی امروزه از تخته مدرسه تا تخت میخانه، گوشه خانه، تا فضای مهمانخانه، چنان زبردستی و شیرین‌کاری به کار برده که ممکن نیست خواننده را در بار اول جز توجه به معنی و مطلب توجهی دیگر باشد» (روزنامه شفق سرخ، ۱۷ آذر ۱۳۱۱ به نقل از مقدمه *تفریحات شب*).

مسعود برای تحصیل در رشته روزنامه‌نگاری به بروکسل رفت و پس از چهار سال در ۱۳۱۷ موفق به دریافت مدرک فوق‌لیسانس روزنامه‌نگاری شد. طبق مقررات این آموزشگاه عالی، مدتی در یکی از جراید بروکسل به نام «گازت» کارآموزی می‌کرد<sup>(۱۷)</sup> و به دلیل چاپ مقاله‌ای درباره کمونیسم اجازه کار در نشریات اروپا را نیافت.

مهمترین نماینده ژانر رمان اجتماعی در این دوره رمان‌های سه‌گانه محمد مسعود است با نام‌های *تفریحات شب* (۱۳۱۱)، *در تلاش معاش* (۱۳۱۲) و *اشرف مخلوقات* (۱۳۱۳). این سه رمان در واقع مکمل هم هستند. محیط‌های مختلف اعم از ادارات، مدارس، میخانه‌ها و مراکز فساد، نشانگر وضعیت زندگی در شهر تهران است. شخصیت‌ها با اسامی مستعار نامیده می‌شوند و با امراض گوناگونی دست و پنجه نرم می‌کنند. مسعود مشکلات جامعه را بازگو می‌کند و زیربنای این مشکلات را برخاسته از نظام آموزشی ناکافی و بعضاً اشتباه می‌داند و همین ایده را در هر سه اثر بسط می‌دهد. آثار مسعود نمایانگر روحیات و زبان مردم روزگار خودش دانسته شده است. برخی منتقدان آن زمان گفته‌اند: «در آتیه وقتی بخواهیم نمونه‌ای از زبان محاوره امروزی جوانان نیم‌تربیت شده پایتخت به دست آوریم، *تفریحات شب* به‌طور کامل حاجت ما را روا خواهد ساخت» (کوشش، مقاله شماره ۲۰۷۴، به نقل از مسعود، ص ج). سید جعفر پیشه‌وری<sup>(۱۸)</sup> در ایران با عنوان سیاست‌پیشه و روزنامه‌نگار شهرت دارد و تا مدت‌ها کمتر کسی وی را به عنوان رمان‌نویس می‌شناخته است. در سال ۱۳۸۴ با تلاش یک ناشر جستجوگر، دست‌نوشته‌های داستانی پیشه‌وری پس از هفتاد سال کشف و منتشر شد. او رمان *نادره*<sup>(۱۹)</sup> را در سال ۱۳۱۱ خورشیدی در زندان مرکزی نوشته و رمان دیگر وی به نام *مهین بانو* (دوجلد) در سال ۱۳۸۵ منتشر شد. این رمان در سال ۱۳۱۴ نوشته شده و مجموعه داستان کوتاهی نیز از پیشه‌وری باقی مانده که قرار است به زودی منتشر شود.<sup>(۲۰)</sup>

انتشار رمان‌های *نادره* و *مهین بانو* (۱۳۸۴) برای نخستین بار قریب به ۷۳ سال پس از نگارش، ما را با پیشه‌وری نویسنده روبرو می‌کند. *نادره* رمانی است هم‌سطح رمان‌های آن دوره؛ مملو از احساسات دوستانه و خالی از ارزش‌های ادبی و تکنیک داستان‌نویسی. *نادره* یک رمان انتقادی-اجتماعی است که فساد موجود در جامعه آن روز ایران (فحشا، رشوه‌خواری، ظلم و ددخویی سرمایه‌های بازاری و سستی) را از جهات گوناگون به باد انتقاد می‌گیرد.

پیشه‌وری را حتی نباید با محمد حجازی که از نویسندگان برجسته زمان خود بود مقایسه کرد. اهمیت کتاب پیشه‌وری از این حیث است که نگاه یک کمونیست سیاست‌پیشه تندر و به جامعه آن روز را منعکس می‌کند. او نماینده تپیی است که از پیش از انقلاب مشروطه و از زمان تشکیل گروه سوسیال دموکرات‌های تبریز تا سال‌های ۱۳۲۰ در ایران فراوان بودند ولی آثار زیادی در شناخت آن‌ها نوشته نشده است.

پیشه‌وری در رمان نادره می‌کوشد جامعه خود را از نگاه‌های سستی تهی کند و به دنیای امروز پیوند بزند. او با ظلم و حقه‌بازی و احتکار و نابرابری سر جنگ دارد، از قشر تحصیل کرده جامعه، طرفداری می‌کند و به دفاع از حقوق زنان می‌پردازد. مهمتر از همه این که نگاه سیاسی خود را به داستان و قهرمانانش تحمیل نمی‌کند.

#### ۸- نقص رمان واقع‌گرای اولیه

رئالیسم ایرانی در آغاز به طور مستقیم با واقعیت اجتماعی روبرو نمی‌شود. داستان‌های محمد حجازی و علی دشتی به سبکی اشرافی و آمیخته به احساسات رمانتیکی نوشته شده است. مشفق کاظمی و ربیع انصاری و عباس خلیلی گرایش‌های نیم‌خام و ناپخته و گزینشی نسبت به واقعیت دارند. بیشتر آن‌ها جامعه ایران را در «تهران» می‌بینند و از تهران هم تنها رویارویی تهران سستی و تهران مدرن را موضوع کار خود قرار می‌دهند. تهران آن‌ها «مخوف، پزمرده، پر از جنایت و آدم‌فروشی، و روزگار مردمش سیاه» است. دخالت‌های مستقیم نویسنده در ضمن روایت و اظهار نظرهای شخصی و تحمیل احساسات و باورهای شخصی بر فضای داستان از نقص‌های عمده داستان‌های فارسی تا ۱۳۱۰ است. سبک روزنامه‌نگارانه و خطابی در درون روایت، ناگهان خواننده را از متن واقعیت داستان به پای تریبون سخنرانی نویسنده می‌کشاند.

مشفق کاظمی تصویری مشحون از جزئیات واقع‌گرایانه از وضع محلات، قهوه‌خانه‌ها، شیره‌کشخانه‌ها، ساختمان‌ها، نوع پوشش و سر وضع شخصیت‌ها، سفر با درشکه، مسیر راه‌ها، چاپارخانه‌ها و ... ارائه می‌دهد و به جد در توصیف زمان، مکان و ظاهر شخصیت‌ها اهتمام می‌ورزد. اما دخالت‌های بیش از حد، هم در جنبه داستانی و هم ارائه تحلیل‌ها و انتقادات اجتماعی و اظهار نظرهای راوی از مقام سوم شخص دانای کل در داستان، به واقعیت‌مانندی اثر ضربه جدی می‌زند.

رمان جنایات بشر ربیع انصاری پیرنگی بسته و از پیش طراحی شده دارد. نویسنده در داستان حضور می‌یابد و به بیان دیدگاه‌هایش در مورد مسائل اجتماعی می‌پردازد. علاوه بر راوی، شخصیت‌ها نیز همان ایده‌ها را در مورد مسائل ابراز می‌دارند که منجر به تک‌صدایی رمان که در حقیقت همان صدای راوی است می‌شود. رمان سیزده عید تا حدودی سنت نوشتار متون کهن را دارد. بیان افسانه‌هایی که باور آن در

دل یک رمان واقعگرا برای خواننده عادی دشوار است و عنوان‌گذاری بخش‌های داستان مانند «پول حلال مشکلات است» و «هستی درختی است که میوه آن جنایت است» عملاً ساخت و پیرنگ داستان را سست و بدوی کرده است.

داستان‌های مسعود از لحاظ ساختار و پیرنگ داستانی، به صفحه حوادث روزنامه شبیه است. فقدان علیّت و پیرنگ داستانی، عدم جریان انتظار و نیز فقدان شخصیت‌پردازی از بزرگترین نقص‌های داستان‌های اوست. قضاوت‌های تند نویسنده درباره مسائل مختلف، شعارها و نوشته‌های زیاد و دخالت در امور داستان از اموری است که بلاغت داستان را کاهش می‌دهد. در این داستان‌ها روایت غیرشخصی محو می‌شود، نویسنده خطیب‌وار سخنرانی می‌کند و چونان روزنامه‌نگار انقلابی و پرچوش و خروش به نقد می‌پردازد. افکار نویسنده از زبان راوی و یا با دخالت مستقیم خود نویسنده بیان می‌شود.

در داستان‌های اجتماعی اولیه، سه سبک روزنامه‌ای، توصیفی و خطابه‌ای با هم در آمیخته است. تأثیر روزنامه‌نگاری در داستان‌های اولیه را می‌توان در داستان‌های مسعود و مشفق به خوبی درک کرد. از دیگر ویژگی‌های نثر مشفق و مسعود دقت در توصیف صحنه‌ها (کافه‌ها، فاحشه‌خانه‌ها، مدارس و ادارات) با نمای درشت است.

نام‌گذاری شخصیت‌ها (پکر، اسکلت، فیلسوف، گوجه فرنگی) در تفریحات شب نشان از ارتباط نویسنده با فرهنگ توده مردم دارد. در داستان‌های مسعود هر ایزودی با هدف بیان یک موضوع طراحی می‌شود و پیوند آن با پیرنگ داستان سست است. مثلاً در داستان در تلاش معاش تنها برای نشان دادن شکم‌بارگی آدم‌ها، ایزود مهمانی یک پیرمرد را به تصویر می‌کشد. تکنیک روایت در رمان نادره از سید جعفر پیشه‌وری سست و فاقد وحدت موضوع است. چندین روایت به نحوی در هم گره می‌خورند تا کتاب سامان بگیرد. در میانه روایت هر جا نویسنده زمام کار را از دست می‌دهد، راوی تغییر می‌کند و پس از چندی دوباره به جای خود باز می‌گردد. بسیاری از منتقدان زبان سست و عامیانه رمان‌های اولیه اجتماعی را بسیار نکوهیدند، برخی هم هنوز آن‌ها را به خاطر ضعف تکنیک‌های داستانی در شمار آثار بی‌ارزش و پاورقی‌های عوام‌پسند قلمداد می‌کنند.

در همان دهه نخست دوره رضاخانی، حسن مقدم با رمان‌های *هندوانه* (۱۲۹۵) و *نرگس دختر قرن بیستم*، شاهزاده خانم تاجی و *زن حاجی آقا*؛ نیمایوشیج با داستان *مرقد آقا* (۱۳۰۵) و سعید نفیسی با رمان *فرنگیس* (۱۳۱۰) راه را بر داستان واقع‌گرای اصیل هموار کردند.

#### ۹- ارزش جامعه‌شناختی رمان‌های رئالیستی

در سال‌های آغاز حکومت رضا شاه (۱۳۰۰ - ۱۳۱۰)، رمان اجتماعی فارسی بیشتر بر وقایع اجتماعی شهرهای بزرگ متمرکز بود. این آثار می‌کوشیدند تا بحران‌های اجتماعی در لایه‌های درونی شهر تهران را در آثار خود بازتاب دهند و با بازآفرینی مناسبات فردی و اخلاقی جامعه آن روز بیشتر بر رگ خواب جامعه بزنند و به آسیب‌شناسی بپردازند.

محقق تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران به سهولت می‌تواند بحران‌های اخلاقی و فکری دو دهه حکومت رضاخان را از خلال این رمان‌ها دنبال کند. حدود بیست رمان اجتماعی در این دوره انتشار یافته که در واقع تاریخ اخلاق و عادات اجتماعی و حاوی اطلاعات جامعه‌شناختی قابل توجهی درباره جامعه رو به تجدد تهران است. این رمان‌ها همچنین از نظر زبان‌شناسی اجتماعی دارای اهمیتند؛ زیرا عناصر زبان محاوره تهرانی و اصطلاحات و واژه‌های فرنگی مربوط به غذا، لباس، موسیقی و تئاتر و نام آثار هنری و هنرمندان و نویسندگان خارجی که در تهران آن عصر وارد زبان فارسی شده در آن‌ها به وفور دیده می‌شود و نوع تحول اجتماعی و آبخشور آگاهی‌های جدید را نشان می‌دهند.

عصر رئالیسم، عصر انتقاد اجتماعی است. نوشته‌های انتقادی دوره مشروطه، پیرامون مسائل کلان سیاسی جامعه و موضوع حاکمیت می‌چرخیدند و به واقع‌نگاری و به علاوه اسطوره‌سازی تاریخی می‌پرداختند، اما در آغاز عصر رضاخانی نویسندگان یکباره به معضلات اجتماعی همچون فقر، خرافات مذهبی، رشوه‌خواری، تملق‌گرایی، تنبلی، خودفروشی زنان و مفسدات کده‌ها و... توجه دقیقی نشان می‌دهند. متجددین و اصلاح‌طلبان وقت می‌کوشند تا علل توسعه‌نیافتگی ایران را بیان کنند و زمینه را برای رشد و ترقی ایران در چارچوب مدرن‌سازی رضاخانی فراهم آورند.

در این عصر دو جریان رمان‌نویسی در موازات هم به پیش می‌روند: یکی رمان واقع‌گرای اجتماعی که در متن معضلات اجتماعی است و دیگری داستان‌هایی به سبک رمانتیک که تحت تأثیر نوشته‌های اروپایی

است. رئالیسم ایرانی از این جهت که گاه با رمانتیسم گره می‌خورد، بی‌شبهت به رئالیسم انگلیسی و امریکایی نیست.<sup>(۲۱)</sup>

نویسندگان رمان‌های اجتماعی، روشنفکران برخاسته از اشرافیت و تحصیل‌کردگان فرنگ بودند که غالباً در «انجمن ایران جوان» عضویت داشتند، این انجمن در سال ۱۳۰۱ توسط تحصیل‌کردگان اروپا در تهران تأسیس شد و پس از ۴ ماه عده‌اعضای آن به ۵۰ نفر رسید که بیشترشان از معلمان و کارمندان دولت بودند. آن‌ها با نقد زندگی سنتی و خرافات اجتماعی و ترویج زندگی فرنگی همّت بر تغییر ارزش‌های اجتماعی گماشته بودند و در این میان توجه خاصی به وضع زنان ایران داشتند.<sup>(۲۲)</sup> اینان که از سویی منادی تمدن بودند و از سویی ارزش‌های تباه آن را افشا می‌کردند، در تغییر مناسبات اجتماعی و ارزش‌های انسانی در شهر تهران نقش غیر قابل انکاری داشتند.

### نتیجه‌گیری

پس از مشروطه، آگاهی‌های نوین حاصل از آن نسبت به نقش مردم در اداره زندگی، اداره جامعه و ساختار زندگی عمومی به ظهور طبقه متوسط شهری جدیدی انجامید که معادلات جامعه سنتی را به هم ریخت و ارزش‌های کهنه و نو را در قلمرو اخلاق، ساختار قدرت، ذوق هنری و شکل‌های ادبی و زبان رویاروی هم قرار داد. در این میان، داستان واقعگرا که مولود جامعه شهری جدید بود پدیدار شد. رمان واقعگرای فارسی بیشتر از هر چیز از روزنامه‌نویسی و سفرنامه‌نویسی تأثیر پذیرفت. انتقاد و واقعیت اجتماعی همراه با بعضی ویژگی‌های سفرنامه به داستان‌های واقعگرا راه یافت. سفرنامه‌ها به‌خاطر ماهیتشان واقعیت‌های جامعه معاصر را منعکس می‌کردند و علاوه بر ویژگی‌های روشنگرانه و آموزشی خود در جای جای متن توصیفات دقیقی از محیط، راه‌ها، بناها و ... به دست می‌دادند که کمتر جنبه زیباشناختی داشت. این توصیفات تا حد زیادی با مشاهدات مقاربت داشت. بذل توجه به زمان، مکان و توصیفات عینی زمینه را برای پیدایش رمان واقعگرا فراهم می‌کرد. از طرف دیگر روزنامه‌نویسی با به‌کار گرفتن زبان ساده توده مردم و به نمایش گذاشتن گونه‌های اجتماعی زبان، نوشتار واقعگرا را تقویت نمود. صورت‌های کمرنگ و کوتاهی از گونه‌های اجتماعی زبان در سفرنامه‌ها نیز به چشم می‌خورد. این نکته که رمان‌نویسان اولیه اکثراً روزنامه‌نگار بودند یا به نوعی در آن دست داشتند و از طرف دیگر رمان‌های اولیه به صورت

پاورقی در روزنامه‌ها انتشار می‌یافتند نشان از تعامل و تأثیر و تأثر رمان‌های اولیه و روزنامه‌نویسی دارد. روزنامه‌نگاری در کنار تقویت زبان و محتوای رمان رئالیستی نوعی تداخل نیز با رمان‌های اولیه ایجاد می‌کند. خطابه‌های آموزشی و بیانیه‌های سیاسی رمان‌های اولیه که قسمت‌هایی از داستان‌ها را مبدل به تریبون سخنرانی می‌نماید، به گونه قابل ملاحظه‌ای از واقع‌نمایی این رمان‌ها می‌کاهد. رمان‌های اولیه برخورد یکسویه‌ای با واقعیت دارند. مکان اکثر این رمان‌ها را کلان‌شهرها در برمی‌گیرد. توجه به زن، محیط و مصیبت‌های زندگی‌اش در کلان‌شهرها در کنار طبقه‌نظهور کارمندان از درونمایه‌های اصلی این رمان‌هاست.

#### یادداشت‌ها

- ۱- خسروی تحت تأثیر آثار الکساندر دوما - کنت دو مونت کریستو و سه تفنگدار، که در اواخر قرن ۱۹ به فارسی ترجمه شده بودند - قرار دارد (بالایی، ۱۳۸۶: ۳۵۳).
- ۲- با توجه به ارتباط صنعتی زاده با میرزا آقاخان و شیخ احمد روحی در استانبول، احتمالاً نویسنده واقعی *دم‌گستران*، میرزا آقاخان کرمانی است. چون صنعتی زاده در هنگام چاپ کتاب آن ایام ۱۵ ساله بوده، و باید این رمان مدت‌ها قبل از این تاریخ و بنا بر انگیزه‌هایی که کاملاً متفاوت با ملی‌گرایی است نوشته شده باشد؛ زیرا انتخاب این موضوع تاریخی که غرور ملی ایرانیان را خدشه‌دار می‌سازد و تا حدودی با شرایط عقیدتی ایران در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰ - زمانی که ملی‌گرایی اوج می‌گیرد - مغایرت دارد، می‌تواند شگفت‌انگیز به نظر برسد (بالایی، همان: ۳۸۱).
- ۳- رک: طباطبایی، ۱۳۶۶: ۲۰۶-۲۱۴.
- ۴- علی دشتی حدود سه ماه سردبیر روزنامه «ستاره ایران» بود. پس از توقیف این روزنامه در ۱۳۰۰ امتیاز روزنامه «شفق سرخ» را اخذ کرد. شفق سرخ به مدیر مسئولی علی دشتی و مدیریت مایل تویسرکانی از ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰ منتشر می‌شد. این روزنامه بعد از ۱۳۱۰ به «عصر انقلاب» تغییر نام داد. جعفر پیشه‌وری در روزنامه «حریت» به زبان آذری (۱۲۹۸-۱۲۹۹) همکاری داشت. بعد (حدود ۱۳۰۴) در نشریه «کامونیست» (کمونیست) گیلان قلم می‌زد. در ۱۳۲۲ شمسی روزنامه «آزیر» را منتشر می‌کرد. عباس خلیلی، نخست در روزنامه «بلدیه» با سید ضیاء طباطبایی کار می‌کرد، پس از سقوط سید ضیاء (۱۳۰۰) روزنامه «اقدام» را منتشر می‌کرد. ربیع انصاری در روزنامه کیوان قلم می‌زد.

۵- نخستین رئالیست آذربایجانی ایرانی بود که با نگارش رمان *ستارگان فریب خورده* (۱۲۵۳) به زبان ترکی، مفاهیم نوینی مثل تشکیل پارلمان و اصلاحات را در قالب یک داستان با زمینه تاریخی عصر صفویه مطرح کرد.

۶- این پنج نمایشنامه را به تقلید از تمثیلات طالبوف نوشت. در چاپ نخست این مجموعه در برلین این نمایشنامه‌ها را به میرزا ملکم منصوب کرده‌اند. (رک: مقدمه ح. صدیق بر نمایشنامه‌های میرزا آقا تبریزی، ص یک و دو).

۷- این کتاب با نام *دیگر بلای تعصب* در سه جلد کاملاً مستقل و جدا از هم نوشته شده است، رمان‌واره‌ای است با ساختار سفرنامه‌ای - زندگینامه‌ای. قهرمان و ماجراهای داستان ساختگی است؛ اما از آنجا که در پرداخت وقایع کمتر اغراق شده، احتمال واقعی بودن حوادث و ماجراها نیز در آن می‌رود و از این جهت به رمان واقعگرا نزدیک می‌شود. تاریخ چاپ جلد اول ذکر نشده اما بنا به قراین تاریخی باید در سال ۱۳۱۴ ق. ۱۸۹۶ م. منتشر شده باشد. نویسنده آن تا دوازده سال بعد از انتشار جلد نخست ناشناخته بود و حتی کسانی به کنایه و اشاره نسبت تألیف آن را به خود دادند. جلد دوم در سال ۱۳۲۳ ق. ۱۹۰۵ م. در کلکته و جلد سوم در ۱۳۲۷ ق. ۱۹۰۹ م. در قسطنطنیه (استانبول) انتشار یافت.

۸- بالایی، آن را پیش‌تاز رمان فارسی خوانده است (بالایی، همان: ۳۰۹).

۹- موریه در سال‌های ۱۲۲۳-۱۲۳۰ ق شش سال منشی سفارت انگلیس در ایران بود (رک: جعفر مدرس صادقی، حاجی بابای اصفهانی).

۱۰- شیخ احمد روحی در نامه‌ای به ادوارد براون خواسته است تا زمینه چاپ ترجمه میرزا حبیب را فراهم کند. زیرا در استانبول دولت عثمانی هم اجازه چاپ آن را نمی‌داده است (مقدمه حاجی بابا اصفهانی، و کامشاد، پایه‌گذاران نشر جدید فارسی: ۴۶).

۱۱- این نمایشنامه‌ها در پاورقی روزنامه اتحاد تبریز چاپ می‌شد که با به توپ بستن مجلس (۱۳۲۶ ق.) در زمان محمدعلی شاه جراید تعطیل شد. اما نامه آخوندزاده در نقد نمایشنامه‌ها به میرزا آقا تبریزی در تاریخ ۲۸ ژوئن سال ۱۸۷۱ نوشته شده است.

۱۲- جلد اول این رمان را نخست در ۱۳۰۱ به صورت پاورقی روزنامه *ستاره ایران* و سپس در ۱۳۰۲ به صورت کتاب در چاپخانه کاپیانی برلین آلمان منتشر کرد و جلد دوم آن با عنوان *یادگار یک شب* در سال ۱۳۰۴ در مطبعه نمایندگی مسکو چاپ کرد. *تهران مخوف* در سال ۱۹۲۴ در مسکو به روسی ترجمه و در ۱۲۰۰۰ نسخه انتشار یافت.



۱۳- دیگر از آثاری که به انعکاس خاطرات زندان رضاخان اختصاص دارد، دو کتاب «خاطرات سیاسی» نوشته خلیل ملکی (چاپ ۱۳۶۰) و پنجاه نفر و سه نفر به قلم انورخامه‌ای (۱۳۶۳) است. بسیاری از زندانیان سیاسی آن روزگار نیز خاطرات خود را روزنامه‌های آن دوره به چاپ رساندند.

۱۴- رک: مصباحی پور ایرانیان، ۱۳۵۸: ۶۰-۹۰.

۱۵- فرزند میرزاعبدالله مردی پیشه‌ور و آزادی‌خواه و هوادار نهضت مشروطه و اهل شهر مذهبی قم بود. جدش، آخوند ملاعبدالله از روحانیون بزرگ قم و پدر بزرگش، آخوند ملا محمد قمی که از قم به آشتیان رفت و در آنجا درگذشت.

۱۶- مایل تویسرکانی مدیر روزنامه شفق سرخ (در شفق سرخ ۶ دی ماه ۱۳۱۱)، روح‌الله میکده یکی از نویسندگان معاصر (در شفق سرخ ۱۸ دی ماه ۱۳۱۱) و محمد علی جمال‌زاده (در روزنامه کوشش ۱۵ اسفند ۱۳۱۱ با عنوان «مژده رستاخیز ادبی»).

۱۷- محمد علی جمال‌زاده در نامه‌ای در (۲۶ نوامبر ۱۹۲۷) به مسعود چنین نوشت: «... انشاءالله امتحانات به خوبی گذشته است، سعی کن چند ماهی در یک اداره روزنامه کار بکنی، برایت مفید خواهد بود. (ولو به خرج خودت باشد) روزنامه‌های تهران واقعاً مفتضح شده‌اند...».

۱۸- سید جعفر پیشه‌وری رهبر فرقه دمکرات آذربایجان و رئیس دولت آذربایجان در ایران به عنوان نماد تجزیه‌طلبی شناخته شده است. در سال ۱۳۰۹ دستگیر شد و تا ۱۳۱۸ در زندان ماند. از زمان سقوط رضاشاه به انتشار روزنامه آئیر دست زد و در آن مقالاتی آتشین حتی علیه مصدق نوشت که مخالف و آگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی بود.

۱۹- نادره (رمان فارسی ۱۳۱۱ ش.) نوشته سید جعفر پیشه‌وری (۱۲۷۲-۱۳۲۷)، به کوشش محمود مصور رحمانی و صفدر تقی‌زاده، تهران: گوینده، ۱۳۸۴، چاپ اول. مهین بانو نوشته سید جعفر پیشه‌وری (۱۲۷۲-۱۳۲۷)، به کوشش محمود مصور رحمانی و صفدر تقی‌زاده، تهران: گوینده، ۱۳۸۵، چاپ اول.

۲۰- کتاب هفته، گفتگو با محمود مصور رحمانی (شماره ۲۵۹، شنبه ۲۲ مرداد ۱۳۸۴).

۲۱- درباره آمیختگی رمانتیسیم و رئالیسم در انگلیس و آمریکا رک: سید حسینی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۹۴.

۲۲- نمایشنامه جعفر خان از فرنگ آمله از حسن مقدم جزو انتشارات ایران جوان است.

#### کتابنامه

آرین پور، یحیی. (۱۳۵۰). *از صبا تا نیما* (تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی). جلد اول بازگشت - بیداری. تهران: زوار.

بالایی، کریستف. (۱۳۸۶). *پیدایش رمان فارسی*، مترجمان مهوش قویمی و نسرین خطاط. تهران: معین - انجمن ایرانشناسی فرانسه. چاپ دوم.

تبریزی، میرزا آقا. (۱۳۵۴). *نمایشنامه‌های میرزا آقا تبریزی*. با مقدمه ح. صدیق. تهران: طهوری. چاپ اول. چایکین، ک.ک. ای. (۱۹۲۸). *شرح مختصر ادبیات فارسی*. مسکو.

حجازی، محمد. (بی تا). *زیبا*. تهران: امیرکبیر.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۴۳). *هما*. تهران: امیرکبیر. چاپ ششم.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۸۱). *چرند و پرند* (مجموعه مقاله‌های دهخدا در روزنامه صوراسرافیل در سال ۱۳۲۵ ه. ق.). تهران: افراسیاب.

سیدحسینی، رضا. (۱۳۸۴). *مکتبهای ادبی*. تهران: نگاه. چاپ دوازدهم.

سیپانلو، محمد علی. (۱۳۸۱). *نویسندگان پیشرو ایران*. تهران: نگاه. چاپ ششم.

طباطبایی، محیط. (۱۳۶۶). *تاریخ تحلیلی مطبوعات*. تهران: بعثت.

کامشاد، حسن. (۱۳۸۴). *پایه‌گذاران نشر جدید نثر فارسی*. تهران: نی.

مسعود، محمد. (بی تا). *تفریحات شب*. [بی جا]: بنگاه مطبوعاتی پروانه، چاپخانه نقشجهان. چاپ ششم.

مصباحی پور ایرانیان، جمشید. (۱۳۵۸). *واقعیت اجتماعی و جهان داستان*. تهران: امیرکبیر.

موریه، جیمز. (۱۳۷۹). *سرگذشت حاجی بابای اصفهانی*. ترجمه میرزا حبیب اصفهانی، ویرایش جعفر مدرس صادقی. تهران: مرکز.

یاوری، حورا. (۱۳۸۳). «داستان بلند (رمان)». در *ادبیات داستانی در ایران زمین* از سری مقالات دایرة المعارف ایرانیکا،

زیر نظر احسان یارشاطر، ترجمه پیمان متین، صص ۵۷-۹۲. تهران: امیرکبیر.